

موضوع، کتاب را تا حد روایت از زمینه مورد بحث پایین می‌آورد. اگر این نکته را در کنار نقل قولهای طولانی و بی حد و حصر اثر قرار دهیم، به راحتی می‌بینیم که مولف از برگزیدن شکل و شیوه‌های متناسب با یک تاریخ تحلیلی و علمی و اصولاً تاریخ ادبیات نویسی جدید آباورزیده است. از این رو حتی آنان که آگاهی‌های کتاب‌شناسانه «تاریخ تحلیلی شعر نو» را درخور توجه و سنجش می‌یابند (و من هم از زمره ایشانم) به هیچ روی نمی‌توانند (این کتاب را تاریخی تحلیلی [Analytic History] بدانند، بلکه تنها بر این نظر خواهند بود که گردآورده‌های لنگرودی، گزارشی [Report] است سال‌شمارانه و زمانی [Chronological]، و روایتی [Narration] کتاب‌شناسانه [Bibliographical] از شعر نو در ایران و نقدهای نوشته شده بر آن.

از چشم‌اندازی دیگر، بی تردید منصفانه باید تاکید ورزید که کنجکاوی و کوشش مولف برای دستیابی و گردآوری بخش اعظم ادبیات شعری جدید ایران در یک صد سال اخیر شایسته تحسین است. به ویژه این که بسیاری از دفترهای شعر، مجموعه‌ها و مجلات مورد نظر، در هیچ یک از کتابخانه‌های معتبر یا نیمه معتبر ایران به تمامی یا به نیمه به دست نمی‌آید و حتی کمتر صاحب این قلم که در ده سال اخیر، به گونه‌ای عمده با فرهنگ و ادب دوره مشروطه و معاصر سروکار داشته است، نمی‌تواند از ستایش این کار دشوار، وقت‌گیر و عاقبت‌سوز (که غالباً از طریق مجموعه‌ها و کتابخانه‌های خصوصی پی‌گرفته شده) خودداری ورزد. البته پیش از این، از مولف اثر، پژوهش‌هایی در زمینه سبک‌های (گردباد شور جنون / ۱۳۶۶) و نهضت بازگشت ادبی سده‌های دوازده و سیزده هجری (مکب بازگشت / ۱۳۷۲) نشر یافته بود. اما وی غالباً به سبب

دفترهای شعرش در دهه شصت (در مهتابی دنیا / ۱۳۶۳، خاکستر و بانو / ۱۳۶۵، جشن ناپید / ۱۳۶۷، قصیده لبخند چاک چاک / ۱۳۶۹) شناخته شده، هر چند پیش از دفترهای یاد شده مجموعه‌ای از سروده‌های آغازین (رفقار تشنگی / ۱۳۵۵) و بعد از آنها هم داستانی از او منتشر شده است (رژه بر خاک پوک / ۱۳۷۲).

به آغاز این نوشته کوتاه بر می‌گردیم: پیرمردی که در اواخر دهه ۱۳۴۰ از پله‌های آن موسسه انتشاراتی بالا می‌رفت، سرانجام کتابی را به اهل فرهنگ و ادب عرضه کرد که پس از گذشت بیش از ربع قرن، و به رغم تحقیق‌ها و مطالعه‌های جدیدتر، هنوز اثری مطمئن و کلاسیک و تحقیقی تاریخی و ادبی برای مطالعه و آموزش فرهنگ و ادب دوره قاجار، و به ویژه عهد مشروطه به شمار می‌آید. اما با احترام و نیک دلی آمیخته با تأسف باید گفت که «تاریخ تحلیلی شعر نو» به رغم کوشش‌ها و زحمات‌های گسترده در گردآوری منابع و مآخذ، هرگز شایستگی ارتقاء به چنین جایگاهی را دارا نیست. این اثر به صورت کنونی، تنها مرجعی است کتاب‌شناسانه و گزارشی است سال‌شمارانه، برای شناخت منابع و مآخذی که در راه تحقیق و پژوهش جدی، جریان شناختی و تاریخ نگاری تحلیلی و در جزئیات یا کلیات این موضوع مورد نیاز است و نه بیش‌تر!

«این نوشته همانگونه که در عنوان فرعی‌اش آمده تنها (نکته‌ای کوتاه) [اما بنیادین] است درباره کتابی مفصل بررسی چشم‌اندازها و نظرگاه‌های مختلف کتاب‌های نقد و بررسی جداگانه و بسیار مفصل‌تری دارد.

## مثل خطی از هبوط، مثل سطری از کویر

انتشارات مروارید، در آخرین روزهای اسفند، گزینه اشعار «قیصر امین‌پور» را، در ادامه انتشار شعرهای برگزیده شاعران نسل دیروز و امروز، روانه بازار نشر کرد. امین‌پور در قالب‌های گوناگون شعری همچون غزل، شعرنو، رباعی، دوبیتی و... آثار درخشان آفریده است. علاوه بر این پس از انقلاب، امین‌پور به همراه شاعر دیگری از این نسل، «حسن حسینی»، قالب مہجور رباعی را جان تازه‌ای بخشیدند و آثاری درخشان در این قالب خلق کردند؛ هرچند که پس از مدتی، قالب رباعی، بار دیگر در میان این شاعران و شاعران دیگر، مہجور افتاد:

این دل به کدام واژه گویم چون شد

کز پرده برون و پرده دیگرگون شد

بگذار بگویمت که از ناگفتن

این قافیه در دل رباعی خون شد

گزینه اشعار قیصر امین‌پور از چند بخش تشکیل شده: از این حرف‌ها (مقدمه)، پنج پرسش بی‌پاسخ (درباره شعر)، ۱۶ شعر از تازه‌ها، ۲۷ شعر از آینه‌های ناگهان (دفتر اول)، ۹ شعر از «آینه‌های ناگهان» (دفتر دوم)، ۹ شعر از «تنفس صبح» و ۱۴ شعر از «در گوچه آفتاب».

یکی از ویژگی‌های این گزینه، آن است که تعدادی از سروده‌های جدید امین‌پور را نیز در بردارد. بنابراین خوانندگان، علاوه بر اینکه اغلب شعرهای خوب امین‌پور را در این کتاب می‌یابند، از تازه‌ترین کارهای او هم باخبر می‌شوند.

گذشته از این، «پنج پرسش بی‌پاسخ» یکی از بخش‌های جذاب این گزینه است. امین‌پور در این نوشته که اول بار در «کتاب صبح» (شماره ۳؛ بهار ۱۳۶۸) به چاپ رسیده است، با زبانی شاعرانه از شعر سخن می‌گوید. و در قالب یک نامه به این پرسش‌های بی‌پاسخ، پاسخ می‌دهد: شعر چیست؟ نخستین شعر را چه کسی سروده است؟ نقطه شروع شعر شما در چه زمانی بوده است؟ در لحظه سرودن شعر چه احساسی دارید؟ شاعر و نویسنده به چه کسی می‌گویند؟ و آیا در نویسندگی و سرودن باید همه قواعد فنی مثل دستور زبان را رعایت کرد؟

خواندن بخشی از این نوشته، ما را بیشتر با حال و هوای نثر امین‌پور آشنا می‌کند:

«رنکی سرودن فعلی است که حتی بزرگ‌ترین شاعران هم نمی‌توانند با قطعیت آن را در صیغه مستقبل صرف کنند و بگویند: من فردا یا پس فردا شعری خواهم سرود. و شاعر هرچه توانا تر باشد، در گفتن چنین جمله‌ای ناتوان‌تر است. زیرا درست مثل آن است که کسی بگوید: من در سوم مهر ماه پنج سال دیگر در ساعت ده و نیم صبح، شدیداً عارف یا عاشق خواهم شد...»

## نکته ای کوتاه درباره کتابی مفصل

کامیار عابدی

# گزارشی سال شمارانه، روایتی کتاب‌شناسانه